

رهبر حکیم انقلاب، ۲۰ اردیبهشت‌ماه همزمان با میلاد با سعادت حضرت علی‌ن موسی‌الرضا(ع) و در سالی که با عنوان «سرما به‌گذاری برای تولید» مزین شده است، در دیداری صمیمانه با کارگران، به بیان نکاتی کلیدی و راهبردی درباره مسائل کار و تولید پرداختند.ایشان با تأکید بر نقش بنیادین کارگران در پیشرفت کشور، کار را دارای ارزشی والا دانسته و کارگر را ستون استوار اقتصاد ملی معرفی کردند. در این بیانات الهام‌بخش، محورهایی مهم همچون ارزش‌گذاری کار و کارگر، تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها، امنیت شغلی کارآفرین، مهارت‌افزایی کارگران، ایمنی کارگر، حمایت از تولید داخلی، مشارکت کارگران در سود تولید، تأمین مسکن کارگری، تقویت فرهنگ محیط کار و توجه به تنوع نیروی کار با نگاهی آینده‌نگر و دقیق مورد تأکید قرار گرفتند؛ مسائلی که می‌توانند نقشه‌راهی مؤثر برای تحکیم پیوند میان تولید و معیشت باشند. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورهای به‌صورت جداگانه واکاوی و تلاش شده است ابعاد گوناگون آنها روشن و پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران، کارفرمایان و بدنه کارگری کشور ارائه شود؛ دومین گزارش به تأمین امنیت شغلی کارگران می‌پردازد.

سلسله گزارش‌های «جوان» درباره مسائل کارگری – ۲

# کرامت و ثبات شغلی را در رشد اقتصادی جدی بگیرد

نیروی کار، در مسیر پیشرفت اقتصادی و توسعه پایدار، ستون فقرات تولید و به تبع آن جامعه محسوب می‌شود، اما این ستون، برای اینکه بتواند با قدرت بایستد و در مسیر رشد و شکوفایی حرکت کند، نیازمند سه مؤلفه حیاتی و پشتیبانی ملموس است؛ امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و آرامش معیشتی. امنیت شغلی، یعنی نیروی کار از ثبات موقعیت خود مطمئن باشد و ترس از بیکاری ذهن او را درگیر نکند. این اطمینان، انگیزه و تعهد را افزایش می‌دهد و منجر به بهبود عملکرد و ارتقای بهره‌وری می‌شود. ایمنی محیط کار نیز از دیگر نیازهای حیاتی است. وقتی کارگر در فضایی فعالیت می‌کند که از حداقل استانداردهای ایمنی برخوردار نیست، جان و سلامت او به خطر می‌افتد و هزینه‌های انسانی و اقتصادی زیادی به جامعه تحمیل می‌شود. در کنار این دو، معیشت آپرومندان نیز عاملی تعیین‌کننده است. نیروی کاری که دغدغه تأمین حداقل‌های زندگی دارد، توان جسمی و روانی لازم برای تمرکز و نوآوری در کار را از دست می‌دهد. بی‌توجهی به این سه محور، نه تنها کرامت انسانی نیروی کار را خدشه‌دار می‌کند، بلکه بر کارایی نظام تولید، اعتماد اجتماعی و مسیر توسعه نیز تأثیر منفی می‌گذارد. این موضوع فقط یک مطالبه کارگری یا دغدغه صنفی نیست، بلکه رویکردی انسانی و در عین حال راهبردی است که سیاست‌گذاران باید آن را جدی بگیرند. توجه به این نیازها، سرما به‌گذاری بلندمدت روی آینده اقتصادی کشورمان است. آینده‌ای که در آن نیروی انسانی با انگیزه، سالم و مطمئن پایه‌گذار رشد پایدار خواهد بود.

### فراسو

در مسیر حرکت به‌سوی توسعه اقتصادی پایدار و عادلانه، کمتر عاملی به‌اندازه «نیروی کار» نقش آفرین و تأثیرگذار است. نیروی انسانی، صرف‌نظر از جایگاه شغلی و سطح تخصص، موتور محرک تولید ملی و قلب تپنده نظام اقتصادی هر کشور است. در واقع، وقتی سخن از رشد اقتصادی به میان می‌آید، نمی‌توان از سرمایه انسانی غافل شد؛ سرمایه‌ای که اگر خوب پرورده و حمایت شود، ضامن شکوفایی کشور خواهد بود، اما این سرمایه همچون هر دارایی ارزشمند دیگری، برای بقا و بهره‌وری، نیاز به محافظت، احترام و رسیدگی دارد. کارگر یا کارمندی که هر روز در کارخانه، مزرعه، اداره یا کارگاه مشغول فعالیت است، برای اینکه بتواند نقش خود را به‌درستی ایفا کند، نیازمند حداقلی از ثبات، ایمنی و معیشت است. در عبارت دیگر، امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و آرامش معیشتی سه محور اصلی و حیاتی هستند که نیروی کار برای پویایی، انگیزه وفاداری به کار به آنها نیاز دارد.

**■ امنیت شغلی؛ نخستین رکن اعتماد به آینده**

امنیت شغلی، به‌طور خلاصه به معنای اطمینان خاطر نیروی کار از تداوم اشتغال و حفظ موقعیت شغلی خود است. کارگری که هر روز با ترس از تعدیل یا تعطیلی محل کار به سر می‌ورد، حتی اگر به‌ظاهر وظایف خود را انجام دهد، در واقع بخشی از تمرکز، انگیزه و آمیزش را از دست داده است. ترس از آینده، خلأخلاقیت را خاموش می‌کند و روحیه رشد را از بین می‌برد. از منظر اقتصادی این ناامنی به بروز پدیده‌هایی چون کاهش بهره‌وری، افزایش جابه‌جایی نیروی کار، کاهش تعهد سازمانی و در نهایت آسیب به تولید منجر می‌شود. در مقابل، نیروی کاری که از شغل خود مطمئن است، با انرژی و برنامه‌ریزی دقیق‌تری کار می‌کند، در آموزش و مهارت‌آموزی

سرمایه‌گذاری می‌کند و به جای «ماندن موقت»، به «پیشرفت ماندگار» می‌اندیشد. کشورهایی که توانسته‌اند امنیت شغلی را در چارچوب قانون، حمایت‌های اجتماعی و گفت‌وگوی مؤثر کارگر و کارفرما تضمین کنند، اقتصادهایی پایدارتر و مقاوم‌تر در برابر بحران‌ها دارند. این تجربه جهانی نشان می‌دهد که امنیت شغلی، صرف‌ی یک مطالبه صنفی نیست، بلکه سیاستی هوشمندانه برای ثبات و پایداری اقتصادی است.

**■ ایمنی شغلی؛ شرط انسانی و اقتصادی ادامه کار**

ایمنی محیط کار، دیگر بعد حیاتی در تأمین نیازهای نیروی انسانی است. محیط کاری که اصول ایمنی در آن رعایت نمی‌شود، نه‌تنها تهدیدی برای جان و سلامت کارگر است، بلکه هزینه‌های هنگفتی برای کارفرما و نظام درمانی کشور به دنبال دارد. حادثه‌های کاری، از قطع عضو و سوختگی گرفته تا مرگ و ناتوانی دائمی، ضربه‌هایی سنگین به خانواده کارگر، روحیه همکاران و اعتبار کارفرما وارد می‌کنند. از نظر روانی، کارگری که احساس کند هر لحظه ممکن است با حادثه‌ای مواجه شود، در استرس دائمی قرار دارد و این استرس، عملکرد و بازده او را به شدت کاهش می‌دهد. ایمنی، حق اولیه نیروی کار است. پیشگیری از حوادث با ایجاد استانداردهای فنی، آموزش مستمر، بازرسی‌های دقیق و استفاده از تجهیزات ایمن، نه‌تنها جان انسان‌ها را حفظ می‌کند، بلکه روی اعتماد عمومی به محیط کار، انسجام سازمانی و حتی وجهه صنعت در نگاه جامعه تأثیر مثبت دارد. در بسیاری از کشورها، نهادهای بازرسی ایمنی مستقل، آیین‌نامه‌های الزام‌آور و تشویق به نوآوری در حوزه ایمنی، جزئی جدانشدنی از سیاست‌های اقتصادی هستند. ایران نیز در این زمینه به تقویت ساختارهای اجرایی و افزایش پاسخگویی نیازمند است.



گزارش هادی اسماعیلی

## تأمین امنیت شغلی، حفظ ایمنی محیط کار و رفع دغدغه‌های معیشتی، سه محور اصلی حمایت از نیروی کارند که بی‌توجهی به آنها نه تنها کرامت انسانی را زیر سؤال می‌برد، بلکه مسیر توسعه اقتصادی را نیز ناهموار می‌سازد

**■ معیشت آپرومندان؛ زیرساخت انگیزه و عزت نفس**
هم‌هم از آن کان اساسی در تحقق امنیت و ایمنی در محیط‌های کاری، آموزش مستمر و فرهنگسازی است. بسیاری از حوادث شغلی، ناشی از ناآگاهی یا کم‌توجهی به اصول ساده ایمنی است. آموزش‌های منظم، به‌روزرسانی دانش فنی و افزایش سطح آگاهی کارکنان در کنار الزام کارفرمایان به تأمین تجهیزات ایمنی، می‌تواند به کاهش محسوس حوادث منجر شود. فرهنگ کار نیز باید تقا یابد. وقتی شأن کارگر در فرهنگ عمومی جامعه نادیده گرفته می‌شود، پیامد آن نه‌تنها بی‌انگیزگی نیروی کار، بلکه ضعف در هویت ملی و انسجام اجتماعی است. رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و مسئولان فرهنگی نقش مهمی در تغییر این نگاه دارند. احترام به کارگر و نیروی مولد، باید به ارزش اجتماعی تبدیل شود.

**■ فناوری و آینده نیروی کار**

یکی از دغدغه‌های مهم در سال‌های اخیر، ورود تکنولوژی و خودکارسازی به محیط‌های کاری است. در حالی که فناوری می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد، نگرانی‌هایی از جمله حذف مشاغل سنتی و گسترش بیکاری نیز وجود دارد. در چنین شرایطی، امنیت شغلی معنای تازه‌ای پیدا می‌کند. دیگر صرفاً به معنای حفظ یک شغل مشخص نیست، بلکه به معنای توانایی تطبیق با تغییرات، بازآموزی و ارتقای مهارت‌هاست. نقش دولت در ایجاد بسترهایی برای آموزش‌های فنی، دوره‌های مهارت‌افزایی و توانمندسازی نیروی کار در مواجهه با تحولات فناورانه بسیار مهم است. آینده نیروی کار، به میزان آمادگی آن در برابر دگرگونی‌هایستگی دارد. برنامه‌ریزی برای «امنیت شغلی انعطاف‌پذیر» باید در دستور کار قرار گیرد. در نهایت توجه به امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و معیشت پایدار، نه‌تنها ضرورتی برای حفظ کرامت نیروی کار است، بلکه سنگ‌بنای یک اقتصاد پویا، پایدار و مقاوم محسوب می‌شود.

کارگری که آینده‌اش را امن، سلامت خود را تضمین شده و زندگی‌اش را آپرومند ببیند، با انگیزه، خلاقیت و تعهد بیشتری به فعالیت می‌پردازد. این سه گانه، یک رویکرد صرفاً حمایتی نیست، بلکه راهبردی اقتصادی و اجتماعی برای عبور از بحران‌ها و ساختن آینده‌ای روشن‌تر است. وظیفه نهادهای سیاستگذار، کارفرمایان و جامعه فراهم‌سازی بستری است که در آن نیروی کار نه ترس و فشار، بلکه با امید و اطمینان، چرخ تولید را به حرکت درآورد. توسعه پایدار، از دل انسانی‌ترین سیاست‌ها آغاز می‌شود؛ جایی که کارگر، نه فقط به عنوان ابزار تولید، بلکه به عنوان شریک پیشرفت دیده شود.

## سیاست‌های جمعیتی بدون مسکن، شعار بی‌پشتوانه است

رئیس‌جمهور اگر بخواهد حال سفره مردم را بهبود بخشد، باید تیغ جراحی بر ساختارهای ناکارآمد تولید فرود آورد؛ موانع ریشه‌ای نیاز به عزم ریشه‌ای دارند

**■ توسعه افقی و واگذاری زمین مساوی با بازگشت به خانواده‌محوری**

کارشناس معتقدند راه عبور از بن‌بست جمعیتی، نه در افزایش شعارها، بلکه در افزایش زمین در دست مردم است. الحاق زمین‌های دولتی به محدوده شهرها، واگذاری زمین برای ساخت مسکن حیاط‌دار و توسعه شهرهای جدید بازپرساخت مناسب برای خانواده‌ها؛ پیشنهادهای قابل دفاع مطرح شده در این زمینه‌اند. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران در گزارشی در آذر ۱۴۰۳، دیدگاه‌های مرتبط با توسعه افقی و عمودی شهرها را بررسی کرده و ۱۲ محور اختلافی میان دو رویکرد موجود را شناسایی کرده است. در این گزارش، موافقان توسعه افقی به مزایایی چون کاهش تراکم جمعیتی کلانشهرها، کاهش قیمت تمام‌شده مسکن به دلیل حذف سهم بالای زمین، تناسب بیشتر با ساختار خانوار ایرانی و فراهم‌بودن زمینه برای اشتغال و تولید در خانه‌های ویلایی تأکید دارند. به باور این گروه، توسعه افقی می‌تواند انگیزه لازم را برای مهاجرت معکوس از کلانشهرها به شهرهای کوچک‌تر و میانی فراهم کند و در خدمت سیاست تمرکززدایی قرار گیرد. همچنین، موافقان با استناد به آمار رسمی، نبود زمین کافی را داعیای غیرعلمی دانسته و معتقدند تنها ۲ درصد از ۱۵۰ رصا در اراضی قابل توسعه کشور ساخته شده است. آنها توسعه افقی را از نظر هزینه ساخت، نگهداری، مصرف انرژی و زمان ساخت در بسیاری موارد به‌صرفه‌تر از بلندمرتبه‌سازی می‌دانند. این پژوهش در نهایت با اولویت دادن به دیدگاه‌هایی که بر بررسی‌های زمینه‌ای هر شهر تأکید دارند، توصیه کرده از تعمیم نسخه واحد برای توسعه شهری پرهیز شود.

**■ کلید مسئله جمعیت در گرو زمین است**

سیاست‌های جمعیتی، بدون تأمین زیرساخت مسکن، تنها یک تابلو تبلیغاتی‌اند. هر گامی در راستای افزایش جمعیت باید از خانه آغاز شود. اگر قرار است آینده‌ای جوان را برای رقم بخورد، باید امروز زمین را از انحصار خارج کرد و آن را در اختیار خانواده‌ها گذاشت. تا آن زمان، شعار «فرزندآوری» برای بسیاری از جوانان، تنها یک رویا باقی خواهد ماند.



**■ عبور از قانون و ورود به ورطه عمل؛ سیاست برج‌سازی باید متوقف شود**

در حالی که قوانین بر تأمین مسکن افقی تأکید دارند، در دهه‌های گذشته سیاست‌های شهری به سمت برج‌سازی پیش رفته‌اند. مدل‌هایی که با نیاز خانواده‌های چندفرزندی و سبک زندگی ایرانی همخوانی ندارد و با اهداف افزایش جمعیتی نیز در تضاد است. به جای توسعه افقی و واگذاری زمین، تمرکز بر انبوه‌سازی در کلانشهرها نه‌تنها قیمت مسکن را کاهش نداده، بلکه کیفیت زندگی را نیز به خطر انداخته است.

و تأمین مسکن اولیه نهفته است.

**برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۲ تا ۱۴۰۷):** این برنامه، رویکردی جامع‌نگر به بحران جمعیت دارد و هدفگذاری کمی برای افزایش ازدواج و باروری از طریق واگذاری زمین و احداث ۲۰۰ هزار واحد مسکونی برای جوانان در سال تعیین کرده است. مفاد مهم این برنامه اعم از حمایت ویژه از خانواده‌های دارای فرزند اول تا سوم، گسترش محدوده شهرها برای ساخت‌وساز و تسهیلات بانکی با نرخ پایین می‌باشند. در خصوص این برنامه هنوز جزئیات اجرایی این طرح‌ها مشخص نشده و نگرانی‌ها درباره سرعت و عدالت در توزیع زمین‌ها پابرجاست.

تعداد به دلیل نبود مسکن مناسب و امکانات اولیه زندگی، ازدواج را به تعویق می‌اندازد یا به کلی از آن صرف‌نظر می‌کنند.» این در حالی است که بسیاری از این جوانان در سنین ایده‌آل برای تشکیل خانواده هستند و تأخیر در ازدواج آنها می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر ساختار جمعیتی کشور در سال‌های آینده داشته باشد.

جالب توجه اینکه، این مشکل تنها محدود به دانشجویان نیست و بسیاری از جوانان شاغل نیز با وجود داشتن درآمد، به دلیل قیمت‌های سرسام‌آور مسکن در شهرهای بزرگ و حتی شهرهای متوسط، امکان خرید یا حتی اجاره خانه مناسب را ندارند. این وضعیت باعث شده است سن ازدواج در کشور به طور پیوسته افزایش یابد و بسیاری از جوانان به اجبار سال‌های طلایی تشکیل خانواده را از دست بدهند.

**۳ سند، یک مطالبه؛ زمین برای زندگی**

با نگاهی به اسناد قانونی و برنامه‌های کلان کشور، مشخص می‌شود که مسکن نه تنها فراموش نشده، بلکه به‌عنوان محور اصلی تشویق فرزندآوری مورد توجه قرار گرفته است، اما آنچه مشکل‌ساز شده، فاصله بین تدوین قانون و اجرای عملی آن است.

**قانون تسهیل ازدواج جوانان (۱۳۸۴):** این قانون قدیمی با هدف کاهش سن ازدواج، دولت را مکلف کرده تا طریق واگذاری زمین، وام قرض‌الحسنه برای خرید یا ساخت مسکن و احداث مسکن ارزان، زمینه ازدواج جوانان را فراهم کند. با این حال بسیاری از پندهای این قانون اجرایی نشده و به دلیل ضعف ضمانت اجرایی، عملاً کارکرد اصلی خود فاصله گرفته است.

**قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰):** در پاسخ به روند کاهش زاد و ولد، این قانون مشوق‌هایی چون واگذاری زمین و تسهیلات ویژه به خانواده‌های دارای فرزند را مطرح کرده است. مصادیق مورد حمایت این قانون شامل واگذاری زمین رایگان به خانواده‌های دارای سه فرزند، حذف قرضه‌کنشی در این واگذاری و اولویت مسکن ملی برای خانواده‌های با فرزند هستند. باید توجه داشت این قانون نیز مشروط به تولد فرزند است، در حالی که اصل مشکل، در مرحله قبل‌تر، یعنی ازدواج